

اقتصاد امر

شنبه-۲ اسفند ۱۴۰۴-سال یازدهم-شماره ۲۴۲۹

راهبردی

گروه جزایر – مهدی ده دار – زمستان ۱۴۰۴ است؛

در راهبردی ترین گستره آبی خلیج فارس همجوار تنگه هرمز، جایی که مه غلیظ مرز میان واقعیت و افسانه را در هم می آمیزد، جزیره‌ای به شکل یک نهنگ غول آسا خفته است که گویی دهه‌هاست در انتظار دمیده شدن روحی تازه در کالبد سنگی‌اش به سر می‌برد.
قشم، این کهن زادبوم دریای پارس، صحنه برپایی نمایش جدید از حکمرانی محلی شده که گویا قرار است این بار «اقتصاد» با «رویا» در گستره «آرزومندی» پیوند بخورد؛ نمایشی از توسعه گری که در آن محمدرضا کلانی، مدیری با گفت‌مان شاعرانه «عشق و خدمت» از خطه خراسان، گویا مأمور شده است تا عصای جادوی خود را بر آب‌های باستانی کرانه تنگه هرمز بزند، شاید پلی بسازد از ناامیدی به امیدواری برای رسیدن به ساحل توسعه یافتگی، آنجا که سهراب سپهری بیش از نیم قرن پیش بر ایمان روایت کرده بود که «پشت دریاها شهری است، قایقی باید ساخت…».

به گزارش اقتصادسمرآمد، مهدی ده دار، پژوهشگر پیشرفت دریایپاد در نوشتاری به سرآمد آورده است:
شامگاه یکشنبه بیست و هشتم دی ماه ۱۴۰۴ در تالار وحدت قشم، جایی که خنکای رطوبت زمستانی با عطر تند «وفاق» و وعده‌های بزرگ مدیریتی در هم آمیخته بود، «محمدرضا کلانی» به عنوان مدیرعامل جدید سازمان منطقه آزاد قشم معرفی شد؛ رخدادی دیر هنگام که پس از گذشت یکسال و نیم از استقرار دولت چهاردهم و بلاکلیفی مدیریتی ناشی از طولانی شدن چانه زنی‌های سنگین سیاسی و تعاملات پید و پنهان میان دولت محلی با دولت مرکزی و نخبگان جامعه محلی، سرانجام طلسم شکنی کرد و به وقوع پیوست؛ مدیرعامل جدید که اواخر دهه ۹۰ خورشیدی در میان غبار پروژه‌های عمرانی مشهد قد کشیده بود (در قامت شهر دار یک کالانشهر دارای جمعیت ثابت سه میلیون نفری و خدمات دهی به جمعیت ششاور ۲۵ میلیون نفری زائران و گردشگران ایرانی و خارجی)، حالا پا به جزیره‌ای استراتژیک گذاشته است با جمعیت ثابت ۲۰۰ هزار نفری و پذیرش ۳۳میلیون نفر گردشگر و مسافر در سال؛ هر چند قشم به ظاهر عرصه حکمرانی کوچکتری از مشهد برای یک چهره به تجربه ملی و اقتصاددان تکنوکرات مستتب به جریان سیاسی کارگزاران سازندگی است اما سرزمینی شگفت انگیز است که طبق افسانه های محلی، بر پشت مسو موجود دریایی مظهری بنا شده، نهنگی که دهه‌هاست در خواب عمیق ناکارآمدی مدیریتی و نارضایتی جامعه محلی درخورفته است و پیچیدگی حل مسائل حکمرانی در آن کمتر از چالش رمزگشایی از معماهای جزیره برمودا نیست!

در ابتدای این نوشتار، جهت یادآوری مخاطبان روزنامه دریایی «اقتصاد سمرآمد» محورهای کلیدی مطرح شده در آیین تکریم و معارفه مدیران قدیم و جدید سازمان منطقه آزاد قشم را به اختصار مرور می کنیم تا برسم به گفت‌مان اصلی این رسانه تخصصی اینکه چگونه قشم و دیگر جزایر دریای پارس چگونه می توانند هستگار «همسفر» کشتی نجات بخش «ایران دریایی» باشند:
الف) اصلاحات ساختاری و بازطراحی مدل حکمرانی: محمد آشوری، استاندار هرمزگان که در سنت دم سوسم سخنرانی های خود همواره از انبیاان مهم‌مدیریت استراتژیک و در برخی مواقع واژگان غامض و پیچیده برای گفت‌مان سازی بهره می گیرد، بر ضرورت اصلاحات جدی در روش‌ها و رفتارهای مدیریتی به ویژه در نظام حکمرانی مناطق آزاد کشور تأکید کرده و دو حرکت اصلی دولت را توزیع عادلانه ثروت و برچسبند تمرکزگرایی با همان تقویت مشارکت جوامع محلی برشمرد. به گفته او، هدف نهایی دولت محلی در استان این است که توسعه بر مبنای سیاست‌های ابلاغی «توسعه دریامحوره» و در چارچوب راهبردهای «برنامه هفتم توسعه» پیش برود.

ب) جایگاه استراتژیک قشم و هرمزگان: حسین جوشقانی، مشاور و دستیار وزیر اقتصاد در اظهاراتش تأکید کرد که استان هرمزگان با بهره مندی از ۳منطقه آزاد و ۶ منطقه ویژه، پهنه‌ای راهبردی با کارکردهای ملی و بین‌المللی است. قشم به عنوان بزرگ‌ترین جزیره ایران، ظرفیت میزبانی از پروژه‌های کلان ملی (حداقل ۳ پروژه از ۲۰ مگاپروژه کشور) را دارد و نباید به آن تنها با کارکردی محلی برای حل مسائل اقتصاد ملی ایران نگریست.

ج) اولویت‌های اقتصادی و مدیریتی: دستیار وزیر اقتصاد، همچنین اولویت‌های ایسن وزارتخانه در دوره جدید مدیریتی را شفافیت مالی و تسهیل فضای کسب‌وکار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تبدیل قشم به قطب تولید و صادرات، استفاده از مدیران تراز جهانی برای اجرای پروژه‌های باکیفیت و پایدار و همچنین بازگشت به فلسفه اصلی مناطق آزاد یعنی آزادی اقتصادی برشمرد.

د) از عشق و خدمت تا اصلاح فرآیندها: محمدرضا کلانی، مدیرعامل جدید، اولویت‌های کاری خود را بر سه اصل کار عاقلانه، خدمت صادقانه و اصلاح فرآیندها بنا کرده است. او تأکید کرد که هدف اصلی، تسهیل امور برای سرمایه‌گذاران و جامعه محلی و همیز از تمرکزگرایی و ادبیات شعاری است. این تغییر سکان مدیریتی نشان‌دهنده تلاشی برای همسو کردن ظرفیت‌های عظیم جزیره قشم با سیاست‌های کلان توسعه دریامحور ایران و تبدیل آن به پلی ارتباطی میان اقتصاد داخلی و بازارهای جهانی است.

ه) مأموریت کلیدی قشم، هاب انرژی و بانکرینگ: اظهارات رضا مسرور، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، رویایتگر یک چرخش دیدگاه به سمت تخصصی سازی و حل چالش‌های دیرینه این جزیره است. به گفته او، برخلاف جزیره کیش که قرار است بر اقتصاد دیجیتال و مباحث مالی تمرکز کند، «اولویت‌بست تبدیل شدن به «هاب انرژی» کشور است. راه‌اندازی و رونق بخشی به عملیات بانکرینگ (تدارکات دریایی و سوخت‌رسانی به کشتی‌های اقیانوس پیما) یکی از اهداف اصلی است که می تواند درآمد ارزی چشمگیری هم برای کشور و هم برای منطقه آزاد قشم ایجاد کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های سخنرانی مسرور، تعهد قاطع دولت برای به سرانجام رساندن پروژه پل خلیج فارس است که از ۱۳۸۹ اسفندماه، کلنگ آغاز عملیات اجرایی آن به زمین زده شده و بهره برداری از آن بارها در چهار دولت اخیر نه فقط در وعده



تکراری که به یک زخم کهنه در افکار عمومی تبدیل شده است. تأمین مالی این پروژه بنا به اعلام دبیر شورای عالی مناطق آزاد قرار است از طریق روش‌های نوینی مثل «شرکت پروژه»، «صندوق پروژه» یا «فاینانس خارجی» انجام شود تا این اتصال استراتژیک بین جزیره و سرزمین اصلی بالاخره برقرار گردد.

با توجه به جایگاه ژئوپارک جهانی قشم در اقتصاد گردشگری و جاذبه‌های بکر آن، توسعه گردشگری طبیعی (اکوتوریسم) به عنوان یک مزیت رقابتی برای این منطقه آزاد در نظر گرفته شده است که مورد تأکید مسرور قرار گرفت. از سوی دیگر، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور پیشنهاد وگذاری کامل مسئولیت مدیریت آب کل جغرافیای جزیره از وزارت نیرو به سازمان منطقه آزاد مطرح شد که برای حل همیشگی تنش آبی در قشم به ویژه روستاها کارگشا خواهد؛ زیرا روستائینشان این جزیره مهم و راهبردی ایران، به طور میانگین بیسن ۳۰ تا ۶۰ روز به آب تولیدی آبشیرین کن ها از طریق شبکه لوله کشی دسترسی ندارند و مجبورند آب مصرفی مورد نیاز خود را از طریق تانکر و با قیمت های هفتگ ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان برای هر بار، تأمین کنند که با احتساب نیاز یک خانوار چهار تا پنج نفره، ماهانه بیش از ۴ تا ۵ میلیون تومان هزینه تأمین آب برای هر خانواده خواهد شد. از دیگر تأکیدات مسرور، استفاده از نیروهای بومی و بکارگیری سرمایه انسانی درون سازمان با مسیر پیشرفت پلی‌ای، تأکید بر پررنگ تر کردن نقش جامعه محلی در ساختار مدیریتی و بدنه اجرایی منطقه، تسهیل در فضای کسب‌وکار، تدوین بسته حمایتی برای فعالان اقتصادی و سرعت بخشیدن به صدور مجوزها بود.

و) تغییر راهبرد در مدیریت کلان جزیره قشم: به نظر می‌رسد رویکرد جدید دولت، عبور از آزمون و خطا و حرکت به سمت «حکمرانی هوشمند» در مناطق آزاد است تا قشم بتواند از پتانسیل مساحتی خود (که از ۲۲ کشور دنیا بزرگ‌تر است) برای جهش در تولید ناخالص داخلی ایران استفاده کند.

محمدرضا کلانی، مدیر تکنوکرات و فن سالار ۴۵ساله که پیش از این سوابقی همچون شهرداری مشهد و مدیریت منطقه ویژه اقتصادی سرخس را در کارنامه دارد، یکماهی می شود که سکان هدایت بزرگ‌ترین جزیره ایران را بر عهده گرفته است. او در مراسم معارفه اش، سخنرانی کوتاه‌ی داشت و اظهاراتش را با ادبیات تمثیلی وام گرفته از کلیدواژه های آیات و روایات و نگرش های عرفانی شاعران ایران زمین پر مغزتر کرد، به ویژه در فراز پایانی سخنانش که غزلی عاشقانه از «سیمین بهبهانی» را با لحنی حماسی بازخوانی کرد که حتی استاندار را نیز به واکنش واداشت و او را «مدیری با طبع لطیف» توصیف کرد؛ هر چند ارتباط این قطعه غزل با گفت‌مان فکری کلانی، به طور مستقل جای تحلیل جداگانه ای دارد: «مرا هزار امید است و هر هزار تویی /شروع شادی و پایان انتظار تویی/بهارها که ز عمرم گذشت و بی تو گذشت/چه بود غیر خزان‌اگر بهار تویی /دلم ز هر چه به غیر از تو بود خالی ماند/در این سسرا تو بمان! ای که ماندگار تویی /شهاب زودگذر لحظه های بوالهوسی است/ ستاره ای که بخندد به شام تار تویی!/جهانیان همه گر تشنگان خون منند/ چه باک زان همه دشمن چو دوستدار تویی /دلم صراحی لریز آرزومندی است/مرا هزار امید است و هر هزار تویی».

چند نکته کلیدی و محوری در صحبت‌های کلایی قابل تأمل است: نخست تغییر رویکرد مدیریتی و نگاه به توسعه بر مدار «عشق و تعهد» بود؛ کلانی تمایل به خدمت در قشم را برخاسته از علاقه شخصی و عملی برای ممکن کردن ناممکن‌ها توصیف کرد، در لایه بعدی اظهاراتش، اولویت کاری خود را تحلیل دقیق وضعیت فعلی حکمرانی، شناسایی ظرفیت‌ها، سرمایه‌ها و نیازهای جزیره دانست؛ او همچنین در راستای حل چالش‌های مطرح شده بر لزوم شناسایی سریع عوامل اثر گذار و کلیدی تأکید کرد که موجب نارضایتی و آزار مردم می‌شود و رفع آن‌ها بر اساس یک برنامه زمان‌بندی و اولویت‌بندی مشخص باید صورت گیرد. او همچنین با تأکید بر استفاده حداکثری از خرد جمعی و تصمیم‌گیری‌های گروهی برای آبادانی جزیره از تحقق توسعه پایدار سخن به میان آورد که به نوعی بدل‌گذاری برای رسیدن به وضییتی است که هم رفاه «قشموندان» را تأمین کند و هم اثراتش، پایدار و ماندگار باشد، از سوی دیگر او در خصوص اصلاح فرآیندها از طریق شناسایی و رفع کاستی‌ها و ایرادات عملکردی با همکاری تمام ارکان حکمرانی در جزیره نیز مباحث را مطرح کرد.

به طور کلی، تحلیل این تفکر و دیدگاه مدیریتی، ما را به درکی فراتر از آمار و ارقام می‌رساند. رییس جمهور پزشکیان، در قامت معمار دولت وفاق، طی دوره یکسال و نیم اخیر با لحنی که بوی تغییرات ساختاری می‌دهد، از ضرورتی سخن می‌گوید که گویی می‌خواهد زنجیره‌های تمرکزگرایی را از پای مناطق آزاد به ویژه جزیره قشم بگشاید. او نیک می‌داند که مناطق آزاد ایران سال‌هاست در برخی میان «دروازه واردات بودن» و «روای صادرات» سرگرداند. در متن راهبردهای کلان حاکمیت و دولت چهاردهم، سایه بلند «سیاست‌های کلی توسعه دریامحور» سنگینی می‌کند. بندهای نگاانه این سیاست‌ها، مانند وردی جادویی، به دنبال آن هستند که سهم دریا از تولید ناخالص داخلی را به شکلی معجزه‌آسا افزایش دهند. وقتی رضا مسرور از ضرورت توسعه صنعت «بانکرینگ» و تبدیل قشم به «هاب انرژی» سخن می‌گوید، در واقع از بند چهارم این سیاست‌ها (توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریایی) رمزگشایی می‌کند. او می‌خواهد کشتی‌های غول‌پیکر اقیانوس پیما را که پیش از این همچون ارواح از کنار قشم می‌گذشتند، با جاذبه‌ای اقتصادی به لنگر گاه‌های این جزیره بکشاند.

اما جادوی واقعی در «تغییر پارادایم» نهفته است. استاندار هرمزگان

از مدل حکمرانی جدیدی سخن می‌گوید که در آن «تمرکزگرایی» همچون دودی به هوا می‌رود؛ بر همین اساس، دولت پزشکیان در مقام یک نهاد «تسهیل گر» است نه «مداخله گر». این همان‌جایی است که جادوی حکمرانی مطلوب با واقع گرایی اقتصادی تلاقی می‌کند؛ جایی که قرار است «پل خلیج فارس» نه فقط از سیمان و فولاد، بلکه از اراده‌ای برای تأمین مالی نوین (شرکت پروژه، صندوق پروژه و یا فاینانس) طی ۳۰ماه بنا شود تا قشم دیگر یک «جزیره» نباشد، بلکه بخشی از تپش‌های قلب اقتصاد ملی همپیوند با سرزمین اصلی گردد.

کلانی در آیین معارفه خود، با ادبیاتی که ترکیبی از «تحلیل دقیق» شرایط شکننده اجتماعی – سیاسی در «مقطع حساس کنونی» و «عشق صادقانه» به وطن است، ظاهر می‌شود. او از «احصای دردهای مردم» می‌گوید؛ گویی می‌خواهد با گوش دادن به نجوای بردهای ساحلی خلیج فارس، گره از کار «قشموندان» و ایرانیان به عنوان بخشی از شبکه دینفعان حکمرانی با مدل مناطق آزاد بگشاید. این رویکرد، بازتابی از بند هفتم سیاست‌های کلی (توسعه زیرساخت‌های رفاهی برای جوامع ساحل نشین و جلب مشارکت مردمی) است. در این منظومه فکری، قشم امروز شبیه به تابلویی است که در آن شاخص‌های اقتصادی در حال پروازند. اگر دولت بتواند حکمرانی و دیوان‌سالاری مصلوب شده را به پلتفرمی مبتنی بر فرآیندهای شفاف و دیجیتال تبدیل کند، «معجزه توسعه» رخ خواهد داد. قشم دیگر صرفا سرزمینی برای گردشگران طبیعی‌ردی نخواهد بود، بلکه با توسعه دادن ایده های «حکمرانی مطلوب» مدنظر استاندار با دبیر شورریعالی مناطق آزاد، کشوری کوچک خواهد شد که اقتصادش از سرزمین اصلی پیشی می‌گیرد. در این جغرافیای راهبردی، جایی که اقتصاد تنگه هرمز و اقیانوس هند به استقبال بازار انرژی ایران می‌آید، اگر در ابعاد حکمرانی داخلی نیز «عقلانیت»، «وحدت» و «وفاق» برقرار شود، افسانه توسعه دریامحور به واقعیتی ملموس تبدیل خواهد شد؛ و آقعبتی که در آن نان مردم از دل امواج و آب شیرین از بطن مدیریت خردمندانه بیرون می‌آید.



رمزگشایی راهبردها؛ راستی آزمایی وعده ها در ادامه این نوشتار تحلیلی، به بازخوانی راهبردهای اعلام شده در دوران جدید حکمرانی سازمان منطقه آزاد قشم و تفسیر و رمزگشایی این مفاهیم کلیدی و تحلیل گفت‌مانی سخنرانی های ارائه شده در آیین تکریم و معارفه مدیران عامل قدیم و جدید این سازمان توسعه گر از پشت عینک توسعه دریامحور می پردازیم:

(یک) «بازخوانی معمای مناطق آزاد»، وقتی جغرافیا تقدیر نیست

از منظر تحلیلگران حوزه توسعه دریامحور، مناطق آزاد ایران همواره با یک تعارض منافع جدی و پارادوکس ساختاری دست‌به‌گریبان بوده‌اند: «قرار بود سکوی پرتاب به بازارهای جهانی باشند، اما تبدیل به حیاط خلوت دولت مرکزی شدند». مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، با تأکید بر «عدالت در توزیع ثروت» و «برچیدن تمرکزگرایی»، در واقع به دنبال جراحی غده‌ای است که دهه‌هاست مانع از تنفس اقتصادی این مناطق شده است؛ او در دهه فجر امسال و طی مراسمی ویدئوکنفرانسی به مناسبت افتتاح پروژه های عمرانی و سرمایه گذاری مناطق آزاد و ویژه اقتصاد کشور تأکید کرد که «نباید مردم قشم و کیش فقیر باشند، این تذکر جدی رییس دولت وفاق به دولتمردان در حالی صورت گرفت که شوریخانه قشم، به عنوان جزیره‌ای با مساحتی دوبرابر کشور سنگاپور، هنوز در تأمین «آب شرب» و «اتصال جاده‌ای از سرزمین اصلی» ناتوان مانده است. رضا مسرور، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، با اشاره به اینکه تولید ناخالص داخلی برخی کشورها با مساحتی مشابه قشم از ایران فراتر است، تلویحا به «هزینه فرصت‌های از دست رفته» اشاره کرد. او از پایان عصر «آزمون و خطا» سخن گفت؛ اما پرسش کلیدی بسیاری از تحلیلگران فراتر از اینهاست: آیا تغییر مهره‌های مدیریتی در قالب اعضای جدید هیات مدیره منطقه آزاد و جایجایی مدیرعامل به عنوان سکاندار کشتی توسعه این جزیره، می‌تواند ماشین زنگ‌زده

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

قشم در انتظار «معجزه حکمرانی»

یا تکرار «سراب توسعه»؟

تحلیلی بر گفتمان پساتغییرات مدیریتی منطقه آزاد قشم از عینک توسعه دریامحور

بروکراسی را به حرکت درآورد؟

دو) زخم کهنه‌ای به نام پل خلیج فارس!

بند چهارم و پنجم سیاست‌های کلی توسعه دریامحور بر «توسعه شبکه حمل‌ونقل ترکیبی» و «بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی» تأکید دارد. در مرکز این یاهووی ملی، طرح جامع ارتباطی و ترانزیتی جزیره قشم با تأکید بر «پل خلیج فارس» قرار دارد؛ پروژه‌ای که دهه‌هاست همچون یک آرزوی ناتمام، سایه‌اش بر تنگه هرمز سنگینی می‌کند. تعهد جدید برای تأمین مالی این پل از طریق «شرکت پروژه»، «صندوق پروژه» یا «فاینانس»، تلاش برای تبدیل یک رویای دست‌نیافتنی به یک دارایی نقدشونده است. اگر این پل ساخته شود، قشم از یک «بن‌بست جغرافیایی» به یک «چهارراه استراتژیک» تبدیل می‌شود. اما منتقدان می‌پرسند: در کشوری که نرخ تشکیل سرمایه ثابت در سال‌های اخیر چالش‌برانگیز بوده، آیا این بار جادوی «فاینانس» کارگر خواهد افتاد یا پل دوباره در فضای مه آلود وعده‌ها و شعارها ناپدید می‌شود؟

سه) «هاب انرژی»، سودای شکار سهم از همسایه

اعلام رویکرد استراتژی تخصصی‌سازی دو منطقه آزاد کِلیدی استان هرمزگان [جزیره کیش برای ایجاد «هاب اقتصاد دیجیتال» و قشم برای «هاب انرژی»] پاسخی دیر هنگام به بند دوم سیاست‌های کلی توسعه دریامحور (توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریایی با ارزش افزوده بالا) محسوب می‌شود. رؤیای تبدیل قشم به قطب «بانکرینگ»، در تئوری، یعنی دستبرد زدن به جیب پرپول بندر فحیره امارات. این رویکرد اگر در میدان به درستی پیاده‌سازی شود، یعنی دیگر شاهد نخواهیم بود که کشتی‌های غول‌پیکر اقیانوس پیما همچون نهنگ‌های آهنی از کنار ساحل قشم عبور کنند، بی‌آنکه قطره‌ای سوخت از پایانه تدارکات لجستیکی این جزیره بگیرند؛ نفع اقیانوس ثروت تردد سالانه ۵۰هزار فروند کشتی در تنگه هرمز، تا پیش از این تنها نصیب همسایگان جنوبی ایران شده است. کلانی در سخنرانی‌اش، با ادبیاتی که میان «عقلانیت سرد اقتصادی» و «شور خدمت» نوسان می‌کرد، از اصلاح فرآیندها گفت. اما حقیقت عریان اقتصادی این است: تا زمانی که زنجیره‌های تحریم و بن‌بست‌های بانگی بین‌المللی باقی باشند، تبدیل شدن به «پلی میان ایران و جهان» بیشتر به فضلی از کتاب افسانه‌ای «هزار و یک شب» شباهت دارد تا واقعیت ترازنامه‌های مالی. با این حال، رویکرد «حکمرانی مطلوب» که



استاندار هرمزگان از آن سخن می‌گوید، نشان از یک راهبرد حکمرانی دارد: مشکل قشم نه در «فقدان منابع»، بلکه در بحران بازطراحی «مدل مدیریت» است.

چهار) «حکمرانی مطلوب»، جراحی بروکراسی زنگ‌زده

بند هفتم سیاست‌های دریامحور بر جلب مشارکت جوامع محلی و ارتقای سرمایه اجتماعی تأکید دارد. ایده واگذاری مسئولیت حل مساله آب روستاهای جزیره از وزارت نیرو به سازمان منطقه آزاد قشم، گامی بلند به سوی «حکمرانی یکپارچه» است. این پیشنهاد جسورانه دبیر شورای عالی مناطق آزاد که ریشه در توانمندی های داخلی و مطالعات انجام شده بدنه کارشناسی و نخبگان مهندسی سازمان منطقه آزاد قشم دارد، تلاشی است برای پایان دادن به حکومت ملوک‌الطوایفی سازمان‌های موازی است؛ همان «زن‌نگارهای دیوان‌سالاری» که دهه‌هاست در شبکه های لوله انتقال آب رسوب کرده و گلوی توسعه زیرساخت ها و یکپارچگی مدیریت آب جزیره را فشرده است. کلانی از «آزاد و ادیت مردم توسط فرآیندهای غلط» سخن گفت؛ اعتراضی شجاعانه که در سنت سیاسی ایران کمتر شنیده می‌شود. اگر او بتواند قشم را از شسَر «امضا‌های طلایی» و «امیدان پروازی» خلاص کند که تنها بوی دریا را از دور استشمام کرده‌اند، شاید آن نهنگ اساطیری خفته زیر جزیره، سرانجام تکانی بخورد.

درس آموخته‌های ۳۳ ماه حکمرانی پیغامی

در بخش پایانی این روایت انتقادی و در سایه مه غلیظی که هنوز بر اسکله‌ها و بندرگاه های جزیره قشم سنگینی می‌کند، باید از کارنامه شکنگری ۳۳ ماهه سکندارهای غلط» سخن گفت؛ تئوریسین آکادمیک بر مسند ناخدایی کشتی توسعه بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس درس‌های آموختنی استخراج کرد؛ دوره‌ای که برای مدیرعامل جدید، محمدرضا کلانی، نه تنها یک میراث، بلکه

یک «نقشه راه از مسیرهای نرفته» است. اگر نخواهیم از پشت عینک توسعه دریامحور به کارنامه مدیرعامل پیشین بنگریم و درس‌های آن را در قالب یک روایت کوتاه برای کلانی بازخوانی کنیم، به سر فصل‌های زیر می‌رسیم:

الف) از «ایده‌آلیسم انتزاعی» به «رئالیسم اجرایی»: دوره پیشین مدیریتی سازمان منطقه آزاد قشم، مصداق بارز غلبه «پژواک واژه بر پیشرفت پروژه» بود. پیغامی با کوله‌باری از نظریات اقتصادی قدیم به جزیره گذاشت، امیدهای زیسادی در دل جامعه محلی کاشت اما در دنیای واقعی قشم، جایی که مردم روستاها با هزینه های گزاف، با تانکر آب می‌خرند و صیادان در انتظار سهمیه سوخت محق نشده خود، هستند، نظریات آکادمیک گاهی شبیه به اشیایی هستند که نانی بر سفره کسی نمی‌گذارند.

ب) طلسم «مدیریت گفتاردرمانی»: بزرگ‌ترین نقد به دوره گذشته، فاصله میان «ادبیات فاخر توسعه» و «واقعیت خشن زیرساخت» بود. کلانی باید بداند که در قشم، اعتبار یک مدیر نه با تعداد سخنرانی‌ها و مانورهای رسانه ای، بلکه با «لیتری‌های آب شیرین تولید شده از دریا» با توسعه آبشیرینکن ها و «مترهای پیشرفت فیزیکی پل خلیج فارس» سنجیده می‌شود. منطق حکمرانی کارآمد و واقعیت عملکردی ساختار سازمان منطقه آزاد قشم حکم می‌کند که مدیرعامل جدید، به جای «جادوگری با پژواک واژگان»، به دنبال «معجزه در تأمین مالی»، جلب مشارکت های مردمی و اعتمادسازی از طریق تعامل با سرمایه گذاران باشد.

ج) گسست میان «تکنوکراسی» و «بدنه اجتماعی»: یکی از باشنه‌های آشیل دوره مدیریتی گذشته، احساس بیگانگی جوامع محلی و فعالان اقتصادی با تصمیمات مدیران سازمان منطقه آزاد قشم پشت درهای بسته بود. بند هفتم سیاست‌های دریامحور، یک فرمول ساده دارد: «توسعه بدون مشارکت جامعه محلی، تنها یک ماکت زیبیاست». درس بزرگ دوره مدیریتی پیغامی برای کلانی این است که قشموندان نباید تماشاگران سیرک توسعه باشند، بلکه باید شریک سود آن شوند. برچیدن تمرکزگرایی که ریس جمهور پزشکیان بر آن تأکید دارد، یعنی قدرت دادن به بازارگانان، سرمایه گذاران و فعالان بخش خصوصی که نبض بازار را بهتر از بخشنامه‌های دولتی می‌شناسند.

د) دام «پروژه‌های ویترنیزی»: در دوره گذشته، تمرکز بیش از حد انرژی و سرمایه سازمانی بسر حوزه‌های خاص فرهنگی – گردشگری همچون ساحل فروشنی برای ساخت پلاژ یا رویدادهای نمایشی و میلاردی رو حاشیه ای همچون جشنواره «عودنوازی» یا فستیوال موسیقی «کاوان» و طرح های عمرانی منحصرمانده در اقتصاد ساحلی، گاهی باعث غفلت از پیشران‌های اصلی در اقتصاد دریا (مانند بانکرینگ و صنایع فراساحلی) شد. کلانی باید از وسوسه شروع پروژه‌های جدید و کوچک بپرهیزد و بر انمام پروژه های نیمه تمام و درمان «زخم‌های باز» جزیره تمرکز کند. اگر او نتواند مامشکل تاریخی آب، مسکن، جاده، آموزش و پرورش، بهداشت و یا توقف طولانی‌مدت پروژه پل خلیج فارس را حل کند، به سرنوشت اسلاف خود (از جمله عادل پیغامی) دچار خواهد شد که با ره توشه ای از شکست های بسیار، در غبار تاریخ جزیره محو شدند. ه) عنصر کلیدی «زمان» و ماه عسل کلانی: اغلب تحلیلگران و ناظران توسعه در ایران با توجه به بالا گرفتن تهدیدهای بین المللی علیه کشور به دلیل ماجراجویی های ترابم در خاورمیانه و سرعت گرفتن روند رقابت های منطقه ای، بارها هشدار داده اند: «زمان، کعباب ترین منبع در توسعه است». مدیرعامل جدید سازمان منطقه آزاد قشم باید بداند که «ماه عسل» او از بزرگترین جزیره خلیج فارس کوتاه خواهد بود. او که از مشهد، شهر گنبد‌ها و سازه‌ها می‌آید، حالا در قشم با هندسه ای پیچیده مبتنی بر «آسمان»، «باد» و «آب» روبروست؛ عناصری که هیچ فرآیند کاغذی و بوروکراسی اداری را بر نمی‌تابند.

عقلانیت توسعه گر؛ «هوتور محرک ایران دریایی»

بخش نتیجه گیری و جمع بندی گزارش حاضر به یک جمله ختم می‌شود: «جزیره قشم، در تلاقی میان سیاست‌های نه‌گانه ابلاغی توسعه دریامحور و واقعیت‌های سخت میدانی، به آزمی‌شگاه بزرگ راستی آزمایی وعده های دولت وفاق تبدیل شده است.» اگر کلانی بتواند «عقلانیت توسعه گر» را با «سرعت اجرا» ترکیب کند و پروژه‌هایی چون پل خلیج فارس را از پیشرفت در حرف به مرحله عملیاتی شدن درآورد، قشم از یک منطقه آزاد کلاسیک و سنتی به «هوتور محرک ایران دریایی» تبدیل خواهد شد. در غیر این صورت، مراسم معارفه او در تالار وحدت قشم در تاریخ بیست و هشتم دی ماه ۱۴۰۴، نیز تنها فصلی دیگر از کتاب تاریخ شفافه‌ی جزیره خواهد بود؛ جایی که در آن، فردا همواره در پس مه پنهان می‌ماند و نهنگ جزیره، همچنان به خواب عمیق خود ادامه می‌دهد.

یک پیشنهاد و توصیه دلسوزانه!

توسعه دریامحور، یک «انتشا» نیست که زیا نوشته شود؛ یک «عملیات» است که باید با دقت یک عمل جراحی، اجرا شود. کلانی باید پیوند میان «دانشگاه» (میراث پیغامی) و «کارگاه» (تجربه خودش) را برقرار کند. او باید تأیست کند که می‌تواند «نهنگ خفته» را نه با لالایی نظریات آکادمیک، بلکه با ششوک اطلاعات فرایندی و جذب سرمایه‌هایی که از ترس بروکراسی به بنادر رقیب در کشورهای جنوبی خلیج فارس گریخته‌اند، را بیدار کند.در غیر این صورت، جزیره قشم همچنان در همان فضای مه آلود گذشته و هیاهوی ششعارهای رنگارنگ تالار وحدت» باقی خواهد ماند؛ جایی که رویدادها و مراسم‌ها می‌آیند و می‌روند، اما آب دریا بر کام جزیرتی‌ها، کماکان شور خواهد ماند و پل خلیج فارس، همچنان در درودست‌ها، مانند کشتی خیالی و افسانه‌ای «غراب شیطان» روی آب سرگردان خواهد ماند.